

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۲۱ اکتوبر ۲۰۱۶

اوضاع مدارس و شروط استخدام معلمان در ایران

حوزه های تخریب زندگی مردم و کودکان در ایران، بسیار گسترده و همه جانبه است. از هر سو، سران حکومت به محروم ترین اقشار جامعه فشار می آورند، همچنین قوانین ارتجاعی و ظالمانه، یکی پس از دیگری، بر بیکاری ها و بر ناهنجاری های اجتماعی افزوده است. پیداست که چنین جامعه ای، در خدمت به بالندگی، رشد و زندگانی بهتر میلیون ها انسان دردمند و کودکان نیست. قد و وزن، در سیستم استخدامی، به حیطة قانون و تصمیم کشیده شده است و در این میان، آموزش و پرورش رژیم، مجاز به خدمت گرفتن افراد منطبق با قوانین ارتجاعی و تازه جمهوری اسلامی در درون مدارس نیست؛ قانونی که با هیچ منطقی، به غیر از منطق خشن و ناعادلانه سرمایه داری، قابل توضیح نیست. متأسفانه دامنه تبعیضات در زیر سلطه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی دارد، گسترده و گسترده تر می گردد، هزاران انسان به دلایل واهی همچون قد و قواره، رنگ و پوست و غیره، از گردونه کار و کاسبی خارج می شوند. آشکار شده است که سران حکومت، تصویب قوانین و شروط استخدام معلمان، و همچنین ورود کودکان به مدارس را، نه بر اساس نیازمندی های عمومی جامعه، بلکه بر مبنای نیازها و منفعت، عده ای قلیل سازمان - داده و - می دهند. در حقیقت این نظام، کاری به محترم شمردن حقوق پایه ئی انسان ها ندارد و رنگ و پوست و جنس و اندازه، متأثر از قوانین مصوبه بناحق دولتی ست. در بستر چنین سیاستی ست که «عباس قنبری» معاون دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، طی مصاحبه ای می گوید: «معلمان برای جذب در آموزش و پرورش از فهرست ۳۰ بیماری ممنوعه ارزیابی و معاینه می شوند که دو تا از این بیماری های ممنوعه "کوتاهی قد و چاقی و وزن نامتعارف" است که معلمان از پذیرش در آموزش و پرورش باز می مانند» و یا این که، چند روز قبل «مدیر مدرسه شهر رودبار جنوب استان کرمان»، دانش آموزان را به دلیل ناتوانی در پرداخت هشت هزار تومان شلاق می زند و از مدرسه اخراج می کند. البته تبعیض و اخراج، تنبیه کودکان و همچنین اخذی از محروم ترین اقشار جامعه، سابقه طولانی دارد. از یک سو جهان از فرط ثروت و دارائی، رشد تکنیک و تکنولوژی - قرن بیست و یکمی - می ترکد، و از سوی دیگر، میلیارد ها انسان، ناتوان از تأمین نیازهای اولیه زندگی خویش اند. به این دلیل که قدرت مداران بین المللی و از جمله سران رژیم جمهوری اسلامی، ستون و خشت جامعه را، کج چیده اند و بی دلیل هم نیست، که چشم اندازها، برای زندگی، بی رنگ و تیره و تار شده است. این چه نظام ها و یا جامعه ای ست که وزن و قد و شکل و شمایل و امثالهم، نقش تعیین کننده ای

دارد و بعضاً از آنان، قادر به انجام و یا انتخاب کار دلخواه خویش نیستند، بعضی ها سرمایه های هنگفتی به جیب می زنند؟ این چه سیستم و یا مناسباتی ست که انسان ها را برای انجام کار، دست چین و حق انتخاب را آنان سلب می کنند؟ پیداست که واژه برابری، انتخاب شغل، پوشش و دروس تحصیلی و همچنین به رسمیت شناختن مقام و منزلت مردمی در دنیای کنونی و آنهم در زیر لوای نظام های امپریالیستی بی محتوا و بی مسماء شده است در این میان سران حکومت ها هم، در پی سودآوری بیش از این و تنگ تر نمودن زندگی بخور و نمیر محرومین اند؛ پیداست که قوانین تصویب شده‌شان، دست و پا گیر، باز دارنده و به تمکین واداشتن کارگران، زحمت کشان و دردمندان است. به عبارتی کارگر و کودک، در زیر سایه چنین قوانین ارتجاعی آزاد نیست و به اثبات رسیده است که سیستم و مناسبات کنونی، پتانسیل پائین‌گویی به خواسته های بدیهی میلیون ها انسان دردمند و کودکان را ندارد. به یقین هم میداین آموزشی از منظر حکومت مداران، میداین تربیت کودکان و جوانان به حساب نیامده و نمی آید و علی رغم این که، در قانون نظام جمهوری اسلامی آمده است "آموزش در کشور ایران خدمت دولتی محسوب می گردد. بر اساس مواد قانونی ۱۹، ۲۰ و ۳۰ قانون اساسی حکومت جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف به ارائه برنامه های آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان به کلیه شهروندان ایرانی بدون در نظر گرفتن جنسیت، رنگ، نژاد، قومیت و... آنان می باشد". اما و در عمل، وزارت آموزش و پرورش به مانند دیگر وزارت ها، در پی سر کیسه کردن والدین کودکان و توده های ستم دیده می باشد.

به دیگر سخن و به عمل دریافته شده است که قوانین نوشته و تصویب شده در نظام جمهوری اسلامی، نه تنها کمترین ما به ازای عملی ندارد، بلکه عملاً، حامل سیاست های تبعیض گونه و اخاذی از والدین دانش آموزان است. بر همین اساس در چنین سیستم های ظالمانه ای، نمی توان انتظار، رشد و شکوفائی کودکان را داشت. چرا که جامعه و کودک، نیاز به اشتغال و آرامش فکری و همچنین نیاز به معلم مکفی و فضای آموزشی سالم، کلاس و امکانات گرمایشی دارد. بنابه گفته مقامات دولتی صدها روستا و نقاط دور افتاده ایران، فاقد معلم و مدرسه، امکانات ایمنی و گرمایشی اند، بیهوده نیست که نماینده ایزه در مجلس شورای اسلامی با اشاره به بازدیدش از یکی از روستاهای این شهرستان و با مشاهده وضعیت مدارس می گوید: "جای نگرانی دارد که پس از گذشت ۳۷ سال از انقلاب، دانش آموزان این شهرستانها در محل نگهداری حیوانات تحصیل می کنند و به همین سبب به وزیر آموزش و پرورش تذکر می دهیم". و ادامه می دهد که "سی درصد از مدارس ایران فرسوده هستند و حدود چهار میلیون دانش آموز در مدرسه هایی درس می خوانند که امکانات و ایمنی مناسبی ندارند".

بدون شک موارد فوق، نمونه هائی هر چند کوچک از اوضاع تأسف بار جامعه ای ست که سرمداران رژیم جمهوری اسلامی در برابر میلیون ها انسان دردمند و کودکان جامعه مان قرار داده اند. زنگ مدارس، هر ساله، به صدا در می آید و اما و در عوض، مشکلات و معضلات رو در روی کودکان، در ابعادی وسیع تر زنده است. چهره خیابان ها با کودکان گل و آدامس فروش و غیره، تزئین شده است و میلیون ها کودک، به جای رفتن به سر کلاس ها و بازی با هم سن و سال های شان، در خیابان های ناامن ایران، در پی تهیه لقمه نان و کمک به والدین شان اند. علاوه بر این ها، بازماندگان از تحصیل، از مرز میلیون ها هم گذشته است و بنابه گزارش مقامات دولتی، فقر و نداری والدین، از زمره علل اساسی آن ها می باشد؛ فقر و تنگدستی که جامعه را کاملاً به دو دسته متضاد از هم تقسیم نموده است که یک طرف آن، سرمداران نظام با دار و دسته های شان قرار گرفته اند و طرف دیگر آن را، میلیون ها انسان دردمند به همراه فرزندان شان تشکیل می دهند. چرا که کار در ایران، به اندازه کافی و به دنباله، حقوق مکلفی برای تأمین

نیازهای اولیه زندگی نیست. با این اوصاف و در چنین اوضاعی نمی توان امر آموزش و پرورش، و تربیت صحیح کودکان را به پیش بُرد و در انتظار رشد و شکوفائی آنان بود.

خلاصه این که سیستم حاکم بر ایران، به درد کودکان نمی خُورد، به این دلیل که در خدمت به سیاست و در جهت تأمین نیازهای طبقه سرمایه داری سازماندهی شده است؛ آموزش به آن میزانی در دستور کار سرمایه داران قرار - گرفته و - می گیرد، که چرخه سود و سرمایه به گردش در آید. طبقه حاکمه در فکر زراندوزی و چپاول است، در مقابل، میلیون ها انسان و کودک، در فکر زندگی آرام، آموزش و تربیت بدون دغدغه اند. آشکار شده است که تا زمانی، سرمایه و سیاست های تکنونی، بر فضای جامعه سیطره انداخته است، زندگی مردم و اوضاع آموزش کودکان، نه تنها بهبودی نخواهد یافت بلکه وخیم تر هم خواهد گردید. تنها علاج معضلات رو در رو، در پاره نمودن افسارهای بندگی، و همچنین در تغییر فضای سیاسی و توازن قوای جامعه، به نفع میلیون ها انسان دردمند و کودکان می باشد.

۲۰ اکتوبر ۲۰۱۶

۲۹ مهر [میزان] ۱۳۹۵